

به مناسبت همبستگی کارگران در اعتصاب 25 فوریه سال 1941 در هلند

اعتصاب فوریه هلند در سال 1941 و پیامدهای آن

اعتصابی که معروف به "اعتصاب فوریه" است بدنبال تعقیب و آزار یهودیان توسط مقامات آلمانی و نارضایتی رو به افزایش خود کارگران هلندی صورت گرفت که هر دو گروه از طرفی در معرض بدبختی بزرگ مادی و از طرف دیگر با تبعید خشونت آمیز به کارخانه های رایش (1153) روبرو شدند. کمیساریای رایش " Seyss-Inqurt " در پایان سال 1940 با حمایت Mussert, s NSB (اتحادیه ناسیونال سوسیالیست) که یک حزب کوچک نازی هلندی بود شروع به اقدامات ضد یهودی کرد.

تمامی کارکنان دولتی که یهودی بودند از هرگونه ارتقاء شغلی و داشتن شغلی در بخشهای دولتی محروم شدند. این اقدامات منجر به یک اعتصاب دانشجویی در شهر دانشگاهی Leiden و Delft گردید. با وجود این مقامات اشغالگر و نازی هلندی به تعقیب مردم یهودی در آمستردام ادامه دادند. ورود به کافه ها و سینما برای آنها ممنوع گردید و از سال 1941 آنها میبایستی خود را در یک لیست مخصوصی ثبت میکردند.

جنبشی که با اعتراض دانشجویان علیه ضد یهود ستیزی صورت گرفت تمام مردم هلند را تکان داد. آنها با دید ناسیونالیستی دشمنی خود را با ضد یهودیگری اعلام کردند. در 31 ژانویه که مصادف بود با تولد شاهزاده هلند Beatrix که به لندن تبعید شده بود در مدارس و در خیابانها مردم به برگزاری جشن پرداختند. اما بمباران رتردام در سال 1940 و کشته شده 30.000 نفر و کمبود مواد غذایی یک احساس بسیار قوی ضد آلمانی را در مردم تکامل داد. از نظر جبهه MLL (که بنام مارکس لنین , رزا لوکزامبورگ به این نام خوانده میشدند) نمایست این تنفر و دشمنی علیه یهودی ستیزی منجر به تشدید احساسات ملی گرایی هلندی و طرفداری از انگلیس میشد. این مبارزه علیه یهود ستیزی میتوانست منجر به مبارزه علیه کل سیستم بشود.

یکی از دخالتگریهای که جبهه MLL میتوانست بکند فراخوان برای تحریم موسساتی بود که به یهودیان خصومت میورزیدند اگرچه آنها از این مسئله به خوبی آگاه بودند که امکان یک تحریم سراسری وجود نداشت. آنها یهودیان را به جای مبارزه علیه یهودی ستیزی به مبارزه ای برای جامعه سوسیالیستی فرا میخواندند. به آنها یاد آوری می کردند که آزادی واقعی یهودیان فقط در یک جامعه سوسیالیستی امکانپذیر است و صهیونیسم را آرمانی خطرناک به منظور ایجاد دولتی ملی سرمایه داری محکوم میکردند (1154).

همزمان ضمن اینکه دشمنی عمیقی نسبت به اقدامات ضد یهودی بوجود آمده بود نارضایتی کارگران رو به فزونی نهاد. افزایش شدید بیکاری عامل دیگر این نارضایتی بود. آمستردام در آگوست سال 1930 حدود 40.000 بیکار داشت ولی. در جولای 1940 به 60.000 نفر بالغ گردید درست مثل سالهای بسیار وخیم بحرانی. مجموعا هلند 300.000 نفر بیکار داشت. در عرض یکسال قیمت وسایل اولیه مواد غذایی 36% افزایش یافت ففر عمومی رو به افزایشی گذاشت

کارگران بیکار هر روز بیشتر از روز قبل تحت سیستمی بنام workfare قرار می‌گرفتند. آنها برای دستمزد ناچیز میبایستی در تمیز کردن و آماده سازی زمین و یا تقویت سدها و در یک کلام به کارهای شاق تن میدادند. در اکتبر سال 1940, 11.000 کارگر ار آمستردام به اوترخت (Urtecht) با قطار در رفت و آمد بودند از ماه نوامبر بعضی از کارگران دست به تظاهرات و درگیری با مقامات زدند. در ژانویه کارگران شاغل و بیکار به تظاهرات علیه اداره کاریابی و علیه مسئولان شهرداری آمستردام پرداختند و هر بار بوسیله پلیس هلند پراکنده میشدند

در سال 1940 اولین گروه از کارگران بالغ بر 7000 نفر توسط مقامات هلندی بخصوص اداره کاریابی به آلمان فرستاده شدند. در ژانویه 1941, 3000 کارگر با تهدید انتقال به (concentration camp) اردوگاه های کار اجباری به آلمان منتقل گردیدند. اینها مهندسان ماهر و کارگران کشتی سازی بودند. مهمترین حرکتهای اعتراضی در میان کارگران کشتی سازی در اواسط ماه فوریه شروع شد

در این شرایط متلاطم اجتماعی, مقامات آلمانی به اقدامات سخت ضد یهودی دست زدند. حملات نازیهای هلندی و آلمانی در ماه دسامبر علیه محلات یهودی در آمستردام, در مرکز شهر, به قتل عام یهودیها تبدیل شد. در مقابل این حمله ها, در 11 فوریه 1941, عده ای از کارگران یهودی و غیر یهودی که از محلات دیگر آمده بودند به دسته ای از نازیها حمله کردند. این کشمکش منجر به کشته شدن یک ناسیونال - سوسیالیست هلندی گردید.

در 12 فوریه, مقامات آلمانی همه محله های یهودی را محاصره کردند. آنها تشکیل شورای یهودی توسط خود یهودیها را فرمان دادند و این شورا میبایستی عهده دار نظم و مسئول تحویل اسلحه میشد. از آنجایی که اسلحه ای موجود نبود بهانه ای برای تبدیل محله, به محله ای یهودی نشین (Getto) گردید و مورد پیگرد و تفتیش قرار گرفت.

در 17 فوریه, حدود 2000 از کارگران کشتی سازی به منظور همبستگی با 128 نفر از رفقای خود که مجبور به کار در آلمان شده بودند اقدام به اعتصاب کردند.

مقامات آلمانی تسلیم خواست کارگران شدند و همین مسئله باعث پیروزی روحیه کارگران شد که بعدا نقش مهمی در عمومی شدن اعتصاب داشت.(1155)

پس از یک حادثه در یک کافه-رستوران که صاحب کافه در مقابل حملات پلیس آلمانی (Grune pogizei) مقاومت کرده بود بیشتر از 400 نفر یهودی در آخر هفته 22 و 23 فوریه دستگیر شدند. آنها بعدا به Buchenwald منتقل شدند استقرار نیروهای مسلح SS در محلات, احساسات خشم کارگران آمستردام را برانگیخت. در 25 فوریه, اعتصاب خودجوش در کارخانه های آمستردام شروع شد. آنها در این تظاهراتها فریاد میزدند: "مرگ بر آزار و اذیت و قتل عام یهودیها". در 26 فوریه اعتصاب عمومی به لاهه و رتردام و خورنینگن, اوترخت, هیلورسم, هارلم*

و بیشتر شهرهای دیگر گسترش پیدا کرد. این اعتصابات به بلژیک هم راه یافت. 1156.

اقدامات سرکوبگرانه مقامات آلمانی وحشتناک بود: گردانهای اس اس در شهرهای اعتصابی، دستور آتش بر روی کارگران اعتصابی دادند و ضمناً دستور دادند که هیچ پولی برای دو روزی که کارگران اعتصاب کرده بودند پرداخت نشود جنبش اعتصابی متوقف شد و اعدام اعتصابیون و دستگیری یهودیان ادامه یافت و این امر در تابستان 1942 شدت یافت. بطوریکه در پایان جنگ از جمعیت 120.000 نفری تنها 20.000 نفر زنده ماندند. این زنده به جا ماندگان، عاقلانه زندگی مخفی بامدارک جعلی را انتخاب کردند. مسلماً گروه CP (حزب کمونیست) که غیر قانونی بود در 20 جولای 1940 دو ماه بعد از اشغال، نقش مهمی در شروع اعتصاب داشت. اما آنها از گسترش دامنه اعتصاب غافلگیر شدند. گسترش اعتصاب به خارج از آمستردام خودجوش بود. وقتی که CPN

(حزب کمونیست هلند) در 6 مارس فراخوان اعتصاب عمومی سراسری داد این فراخوان توسط کارگران نادیده گرفته شد این اعتصاب همانند اعتصاب توده ای بزرگ سال 1903 دیگر ماهیبتی توده ای و خودجوش گرفته بود .. این جنبه توده ای، خودجوش اعتصاب که برخلاف اعتصاب عمومی بود از دیدگان جبهه MLL که مواضع رزا لوکزامبورگ را داشتند پنهان نماند.

MLL نقش مهمی در اعتصاب ایفا کرد. با وجود اینکه آنها یک سازمان کوچک با تعداد محدودی از اعضا بودند. مثل سازمانهای قدیمی گروهی از جوانان را در میان خود داشتند که از 300 نفر تشکیل میشد 1157 (MJC کمیته جوانان مارکسیست) و آنها نشریه ای ماهانه ای که قطب نما نامیده میشد چاپ میکردند (The Kompas). از ژانویه سال 1941، یک روزنامه تبلیغاتی به طور منظم منتشر میکردند که اسپارتاکوس نامیده میشد و تیراژ این روزنامه در فوریه به 5.000 نسخه بالغ گردید. این روزنامه یکی از بزرگترین روزنامه های غیرقانونی بود که در میان مردم دست به دست میشد. عنوان انتخابی آن (اسپارتاکوس) اشاره سیاسی روشنی به رزا لوکزامبورگ داشت. Sneevliet که جزوه ژونیوس را از رزا لوکزامبورگ در مورد بحران سوسیال دمکراسی ترجمه کرده بود تفاوت نظری لنین و رزا لوکزامبورگ را در مورد مسئله ملی مطرح کرد. قبل از اینکه اعتصاب، به وقوع بپیوندد جبهه MLL اعلامیه و جزوات زیادی پخش کرد که بوسیله آنها کارگران را به مبارزه و تشکیل گروه های دفاعی در محلات بر علیه اقدامات ضد یهودی فرا میخواند. همزمان به دلیل افزایش حملات ضد یهودی خواسته خود را از کارگران به این شکل بیان نمود: " چنانچه مردان و زنان محلات کارگری از وضعیت محلات یهودی نشین آمستردام آگاه شوند، به مبارزه علیه راهزنان استخدامی جنبش سوسیال ناسیونالیست (نازی) هلندی اقدام خواهند کرد آنوقت ما با یک تظاهرات با شکوه متحدانه خودجوش، با عالی ترین و موثرترین شکل آن در کارخانه ها رو برو خواهیم شد. "

" پاسخ به همه اعمال خشونت آمیز سوسیال ناسیونالیست اعتراض و اعتصاب در کارخانه ها میباشد :
" بیابید همگی با هم از کارخانه ها بیرون و بپیوندد به مبارزه رفقای طبقاتی خود در محلات مورد تهدید". (1159).

قضاوت در مورد تاثیر وجود جبهه MLL در اعتصاب آمستردام مشکل است، اگرچه NAS** (Nationaal Arbeids Secretariaat) قبل از اشغال 400 عضو داشت. اما با اطمینان میتوان گفت که با وجود اینکه CPN (حزب کمونیست هلند) فراخوان به اعتصاب را داده بود - در یک شرایط متلاطم اجتماعی بدون فراخوان CPN هم آن اعتصاب بوقوع می پیوست- جبهه MLL نقش

بسزایی در گسترش این اعتصاب به شهرهای دیگر داشت . اما نکته بسیار مهم این اعتصاب این بود که اعتصاب خودجوش و تحت کنترل خود کارگران , و مستقل از شعارهای احزاب بود. در پایان اعتصاب , جبهه MLL در حالیکه CPN , فراخوان برای یک اعتصاب در مارس را محکوم کرده بود , به حمایت از تشکیل کمیته های اعتصاب و اقدامات عملی در کارخانه ها پرداخت . (1160)

موج اعتصاب برعکس اعتصابات بزرگ توده ای گذشته , بوسیله کمیته های اعتصاب انجام نگرفته بود. اعتصاب فوریه , اعتصابی خودجوش , بدون فراخوان از سوی دسته ای خاص از کارگران و یا سازمان خاصی صورت گرفته بود . اگر چه گرایشی غلو آمیز در جبهه MLL در مورد ماهیت انقلابی اعتصاب مینی بر اینکه در هیچ زمانی اعتصاب بر اساس خواست خود کارگران نبوده است موجود بود , اما این بار اجتناب کارگران از دیدگاه ناسیونالیستی نشان داد که درک ضرورت یک مبارزه علیه ایدئولوژی مقاومت ملی را نباید دست کم گرفت. چون این عدم رویکرد کارگران به ناسیونالیسم که به معنای عدم پذیرش شرکت در مبارزات جبهه مقاومت ملی ضد آلمانی بود تاکیدی ضروری بر انترناسیونالیستی بودن این اعتصاب بود. جبهه MLL خاطر نشان کرد که این خواستی که ما در بالا بیان کردیم بدون ابهام از قرار زیر است:

"چگونه مبارزه کنیم ؟"

"نه به آلمان"

"نه به انگلیس"

"جبهه سوم , سوسیالیسم پرلتری"

"علیه ناسیونال سوسیالیسم و ناسیونالیسم"

"مبارزه طبقاتی جهانی".

این بیانیه MLL, فراخوان CPN به مردم را برای یک اعتصاب همگانی همراه با گروه های ضد نازی و ناسیونالیست با شعارهایی از جمله " مبارزه افتخار آمیز برای آزادی کشورمان " در هم فرو می ریخت. (1161)

جبهه MLL هرگز شعارهای ضد فاشیستی را مطرح نکرد. برعکس گروه های سوسیال دمکرات هلندی که میگفتند مبارزه ضد فاشیستی اولین مرحله مبارزه بسوی سوسیالیسم است او بر یک مرحله پافشاری میکرد : " مبارزه علیه سرمایه داری جهانی". (1162)

با این تفکر بود که " جبهه سوم " را تشکیل داد. شروع به تبلیغات در میان سربازان آلمانی در رتردام نمود که امری بسیار خطرناک بود و در سنگر ها به پخش اعلامیه اقدام نمود. این تبلیغات نه برای دفاع از دمکراسی بود و نه فراخوانی برای صلح .. این نظریه را در بیانیه اول ماه مه در آن زمان در آلمان میتوان خواند.

توده مردم هیچ علاقه ای به پیروزی انگلیس و یا آلمان نداشت. آنها مباحثی سرنوشت خود را در دست می گرفتند . این جبهه سوم بود که میبایستی پیروز میشد . مرگ بر جنگ , اما همچنین مرگ بر صلح سرمایه دارانه . صلح جهانی تنها میتواند با پیروزی سوسیالیسم انجام پذیرد.

20-02-2015

Philippe Bourrinet

ترجمه از :نسرین.ن

1152- رجوع کنید به کتاب Wim bot ص 28 .

1153- یک تاریخ جدی از اعتصاب فوریه 1941 را در کتاب Benjamin Aäron Sjies میتوانید پیدا کنید. او یکی از اعضای سابق GIC بود و نقش بسزایی در اعتصاب.و در زمان شکست لشکر آلمانی او و بعضی از رفقایش آرشیو پلیس و مقامات آلمانی را قبل از آنکه نابود شوند بدست آوردند و آنها را به موسسه اسناد دولتی در باره جنگ فرستادند....نقل قولی از Sjies در مورد اعتصاب فوریه 1941 " اعتصاب فوریه نه تنها به اعتصاب کنندگان یک احساس اعتماد به نفس داد بلکه یکی از عالی ترین مثال ممکنه برای همه مردم هلند بود"

(The Hague ,Rotterdam, Groningen, Utrecht, Hilversum, Haarlem)*

1155- در اینجا از کتاب Sjies نقل قول شده است.

** آنارشیستهای هلندی بسیار سندیکالیست و تاثیر زیادی در مبارزه اقتصادی داشتند. در سال 1893 تحت تاثیر کورنلیسن (Cornelissen) و (SDB سوسیال دمکراسی بوند) دبیرخان ملی کار (National secretariaat Arbeids) تشکیل شد تحت نفوذ او این دبیرخانه هر چه بیشتر از آنارکوسندیکالیسم جدا شده و به مبارزات سندیکالیستی انقلابی پیوست آنها نقش زیادی در جنبش کارگری و اعتصابات هلند از جمله اعتصاب 1903 نقلیه عمومی داشتند. آنها بتدریج به گروه های مارکسیستی رادیکال نزدیک شدند

1156- گسترش اعتصاب به بلژیک هم از کتاب او نقل شده است.

1157- آمار اعضای 150 نفری از اعضا و هواداران توسط Sjies آورده شده است اما به نظر Wim Bot به 350 نفر میرسیدند. 60 تا 70 سلول وجود داشت که در هر کدام 5 نفر از اعضا بودند.

1158- رجوع کنید نقل قول Perthus در ص. 432

1159- عکس این فراخوان را میتوانید در کتاب Sjies پیدا کنید.

1160- جبهه MLL, حزب کمونیست هلند (CPN) را به خاطر حمایتشان از استالین قاتل انقلابیون و به خاطر هیتلر, لایق حمل کردن پرچم سرخ سوسیالیسم نمیدانست و محکوم میکرد .

